



رهیافتی بسوی هویت و حس مکان از منظر نگرش ایرانی - اسلامی

در طراحی کالبدی شهری معاصر ایران

دکتر حسن سجاذزاده^۱، بهرام حمیدی^۲، حامد فلاحي نژاد^۳

عضو هیئت علمی و استادیار دانشکده هنر و معماری بوعلی سینا همدان

دانشجوی کارشناسی ارشد معماری واحد علوم و تحقیقات کرمانشاه

دانشجوی کارشناسی ارشد معماری واحد علوم و تحقیقات کرمانشاه

چکیده

دستیابی به هویت اسلامی در طراحی معماری و شهرسازی معاصر ایران نیازمند فرآیندی همه جانبه در نگرش به موضوع هویت است.

لذا در گام اول باید تعریف بجا از هویت اسلامی داشته باشیم ، که بیانگر مفهوم الهی و معنوی ، شخص و اصالت معماری اسلامی باشد، و تجزیه و تحلیل نحوه ورود و تأثیرپذیری از معماری ایران باستان و تغییراتی که در طول دوره حکومت های حکومتی مختلف با فرهنگ ها و مذہبها و آئین و سنت های متنوع بر روی معماری اسلامی تأثیر گذاشتند و شناخت معماری اسلامی که الهام گرفته از نماد و نشانه های مقدس که بیان کننده عظمت و شکوه ازلی می باشد و بیان کننده ارزش های والای دینی و مذهبی می باشد که فضای معماری را جدایی از ارزش های دینی نمی داند و از اهمیت بسیار زیادی در بحث طراحی شهری و معماری برخوردار است.

و همچنین شناخت عناصر و المان ها و تزئینات معماری ایرانی که نشان دهنده قدرت، عظمت و اقتدار فرهنگی ، اجتماعی دارد . راه حل ارائه شده این است که باید با شناخت کامل نمادها و نشانه ها و عناصر معماری اسلامی - ایرانی و تلفیق این دو سبک معماری با هم و نگاه به معماری مدرن جهانی به یک سبک معماری اختلاطی که دارای ارزش های سنتی، فرهنگی ، معنوی ، اجتماعی و شرایط جوی مکان که جدایی از گذشته مردم ایران ندارد و در صورت بودن در این فضا های معماری به یک حس آرامش و تعلق به فضا به افراد القاء بخشد .

روش پژوهشی مبتنی بر مطالعات کتابخانه ای و رویکرد توصیفی دارد.



واژه های کلیدی : هویت ، شهرسازی اسلامی ، حس مکان ، ساختار کالبدی

1- مقدمه

در فرایند تبدیل قطعیت قراردادی مدرنیته به نسبیت واقعی جهان، فرهنگ و هویت، سوال آفرین موضوعات در گستره جغرافیایی جهان هستند. در پی ورود مدرنیته شهرهای معاصر ایران نیز دچار تغییراتی بنیادین شده اند. این تغییرات که با کنار نهادن لایه های مختلف اجتماعی و فرهنگی سعی داشته و تا تصویری انعکاس یافته از شهر ایده آل منشور آتن را ارائه دهد، مفهوم شهر و سکونت را در یک استحاله از «انسان محوری» و «اقتصاد محوری» سوق داده است. سوال تحقیق حاضر بحران هویت است. این موضوع از ناتوانی انسان در پاسخ به کیستی و چیستی خود، حاصل می شود. بخشی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت فردی او را می سازد، مکانی است که خود را با آن می شناسد و به دیگران می شناساند. به تعبیر «مارتین هایدگر» مکان جنبی عمیق و پیچیده تجربه انسان از دنیاست کنش و خواست انسان معنی را به فضا مترتب می سازد و فضای خالی را به یک مکان تجربه شده تبدیل می کند (به نقل از: افرغ، 1377: 5-1) از طرفی رابطه انسان و مکان تأثیر متقابل است. به همین خاطر هویت مکان بخشی از هویت شخصی است و در غنای شخصیت فردی نقش محوری دارد (Walmsley, 1990: 59-46). «هویت مکان پیوندی نزدیک با هویت شخصی پیدا می کند، اینکه من اینجا هستم حکایت می کند از آن که من هستم» (مدنی پور، 1379: 54) بنابراین می توان موضوع هویت را از یک دیدگاه که «بحران هویت معاصر، متوجه مکانی است که نتوانسته است رابطه ماندگار با انسان برقرار کند و در نتیجه آن در پی یافتن مکانی برای آرامش و احساس امنیت انسان بی مکان محیط اطراف خود را مدام مورد دخل و تصرف خود قرار می دهد»، مطرح کرد. از تبعات مکان های بی هویت، از دست دادن امنیت و آرامش می باشد (رضا زاده، 1380: 5) در بررسی ابعاد سکونت، نوربرگ شولتز (Norberg schulz) سکونت را رابطه پرمعنا میان انسان و محیط تعریف می کند. و در این راستا دو عامل تشخیص مکان و احساس تعلق به آن را عوامل مهمی در شکل گیری این رابطه